

## آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مدظله‌العالی

علی‌جان مرادی جو<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

### چکیده

بی‌تردید، مؤلفه فرهنگی، بنیادی‌ترین مؤلفه‌ی قدرت نظام برآمده از انقلاب اسلامی ایران بوده و هست؛ چنانکه اینک پس از گذشت سه دهه از انقلاب، فرهنگ همچنان بارزترین و برجسته‌ترین چهره نظام به شمار می‌رود؛ اما باوجود ابتدای نظام بر مؤلفه قدرت فرهنگی، پس از انقلاب (به‌ویژه پس از دفاع مقدس) آسیب‌هایی متوجه آن شده است که انقلاب را در رسیدن به اهداف و آرمان‌های ترسیم‌شده توسط مقام معظم رهبری با کندی و در جاهایی این مؤلفه برجسته در تولید و بازتولید فرهنگی به حالت سکون در آمده است. در این پژوهش با نگاهی درون‌گرایانه ضمن توجه به اهداف، آرمان‌ها و ماهیت انقلاب اسلامی ایران، آسیب‌هایی که از لحاظ فرهنگی، انقلاب اسلامی و مبانی اساسی آن را تهدید می‌کنند و روند و حرکت انقلاب اسلامی را کند می‌نمایند، به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ناآگاهی و غفلت از تهاجم فرهنگی، نبود بینش آینده‌نگری، عدم تمدن‌سازی فرهنگی و توقف در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، تداخل وظایف و فعالیت‌های موازی نهادهای فرهنگی و به‌روز نبودن نهادهای فرهنگی و ...؛ از مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌های فراروی انقلاب اسلامی می‌باشند.

**کلید واژه‌ها:** آسیب‌شناسی، فرهنگ، انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی فرهنگی، مقام معظم رهبری سید

علی خامنه‌ای مدظله‌العالی.

**استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰):** مرادی جو، علی‌جان (۱۳۹۸، بهار). «آسیب‌شناسی فرهنگی

انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره

اول. صص ۱۳۰-۱۰۹.

<sup>۱</sup>. عضو هیئت‌علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، moradialijan@gmail.com

## ۱. مقدمه

فرهنگ به‌عنوان پدیده‌ای پویا، از اساسی‌ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی هر جامعه به‌شمار می‌آید. امروزه جامعه‌شناسان یکی از جنبه‌های ماندگار زندگی انسان را فرهنگ تلقی می‌کنند و اعتقاد دارند که فرهنگ، سرنوشت، شخصیت و هویت جامعه را مشخص می‌کند. در جهان امروز سرعت تغییر و تحول در ساختارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی از آهنگی فزاینده برخوردار گشته و بر اثر توسعه‌ی ارتباطات اجتماعی و فناوری‌های واسط در این زمینه، فرهنگ جوامع و کیفیت زندگی و رفتار انسانی نیز دچار تغییر و تحولات سریع‌تری شده است. بدیهی است که چنان‌چه ساختارهای فرهنگی یک جامعه تحت هدایت و کنترل قرار نگیرند، جامعه دچار تضاد و آسیب خواهد شد.

انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است. شکل‌گیری انقلاب ناشی از تحول و رشد فرهنگی جامعه و روی آوردن اقشار مختلف - به‌ویژه قشرهای جوان و فرهنگی جامعه - به ارزش‌های اسلامی بوده است و آرمان اصلی انقلاب هم تحقق جامعه‌ای نمونه و برخوردار از شاخص‌های رشد و تعالی انسانی و اسلامی است. پایه‌گذار انقلاب اسلامی؛ یعنی امام خمینی رحمه الله علیه «فرهنگ» را اساس ملیت و استقلال یک ملت می‌دانند؛ و تخریب فرهنگی جامعه توسط رژیم پهلوی را یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های آن دوران برمی‌شمارند و جبران آن را دشوارتر از جبران خرابی‌های مادی تلقی می‌کنند.

در مقوله آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی دو رویکرد متمایز مشاهده می‌شود: رویکرد درون‌گرایانه و رویکرد برون‌گرایانه. رویکرد درون‌گرایانه به آسیب‌های یک انقلاب، آن نوع از بررسی است که تحت عنوان آسیب‌شناسی انقلاب نام برده می‌شود و رویکرد برون‌گرایانه نیز، با عنوان «ترمیدور»<sup>۱</sup> در انقلاب‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در رویکرد درون‌گرایانه یا آسیب‌شناسانه، به‌نوعی دغدغه حفظ انقلاب مطرح است. به‌عبارت‌دیگر چنین رویکردی نوعاً از جانب انقلابیون یا کسانی که به‌نوعی احساس علاقه به انقلاب دارند، به کار گرفته می‌شود. درحالی‌که رویکرد ترمیدوری نگاهی جامعه‌شناسانه به انقلاب‌ها است که در آن یکی از مراحل چندگانه انقلاب‌ها، مرحله ترمیدور نامیده شده و مطالعه می‌گردد. در این رویکرد احساس تعلق به انقلاب وجود ندارد و محقق پیش‌فرض نگرانی در خصوص انقلاب را به همراه ندارد. کرین برینتون<sup>۲</sup> در چارچوب استعاره تب و مراحل آن و هم‌چنین تطبیق آن با مراحل انقلاب، ترمیدور را دوران نقاهت پس از فرو نشستن تب انقلاب می‌داند (خرمشاد، ۱۳۸۰: ۳۱).

1. Thermidor

2. Crane Brinton

در رویکرد ترمیدوری، چگونه فاصله گرفتن جامعه از انقلاب و حتی بازگشت به گذشته این جوامع توصیف و تبیین می‌گردد. ولی همان‌گونه که از عنوان مقاله حاضر بر می‌آید، رویکرد اتخاذ شده در این نوشتار؛ رویکردی درون‌گرایانه و آسیب‌شناسانه است، نه رویکردی برون‌گرایانه و ترمیدوری؛ چون آسیب‌شناسی با رویکرد درون‌گرایانه، به انقلاب و جلوگیری از ضربه‌زدن و آسیب به آن می‌پردازد.

در عین حال نمی‌توان تردید داشت که یکی از برجسته‌ترین اهداف بلند انقلاب اسلامی، اصلاح فرهنگ جامعه و فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی فرهنگی بوده است. اکنون این پرسش چندوجهی مطرح است که اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی چیست؟ و ماهیت آن در حالت سلامت کامل چگونه است تا پس از شناخت آن قادر باشیم چگونگی راه یافتن آسیب‌ها در درون آن و غلتیدن آن به ورطه‌ی بیماری را مورد شناسایی قرار دهیم؟ در واقع از دیدگاه اندیشمندان یک‌رشته بیماری‌هایی در جامعه وجود دارد که رعایت نکردن آن‌ها شادابی و سلامت انقلاب را به خطر می‌اندازد. این بیماری‌ها در عرصه‌های مختلف به خصوص عرصه فرهنگی با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی قابل بروز است.

بنابراین باگذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و ورود به عرصه نوین، شایسته است که با مرور به کارنامه انقلاب اسلامی با رویکردی مصلحانه و نقادانه، تهدیدها و آسیب‌هایی که فراروی آن قرار گرفته و حرکت فزاینده آن را با کندی مواجه ساخته است مورد بررسی و کالبدشکافی قرار گیرد تا زمینه‌ی کنترل آسیب‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها فراهم آید. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش این است که: «چه آسیب‌های فرهنگی از بُعد داخلی متوجه انقلاب اسلامی ایران است که ممکن است ادامه‌ی مسیر انقلاب را کند کرده باشند و یا حیات نظام را با مشکل مواجه نمایند؟» روش آسیب‌شناسی که در این پژوهش پی می‌گیریم هرمنوتیک (نگاه از درون) است نه پوزیتیویسم (نگاه از بیرون).

## ۲. تعریف مفاهیم

### ۲-۱. آسیب‌شناسی:

واژه‌ی آسیب‌شناسی<sup>۱</sup> نخست در حوزه‌ی علوم زیستی و طب متداول شد و آن‌گاه به علوم اجتماعی وارد شد. این واژه از نظر لغوی از دو واژه‌ی پاتو (patho= pathos) به معنی رنج، درد و عذاب و لوژی (logy= logos) به معنی مطالعه تشکیل شده است (مرتضوی، ۱۳۸۸)؛ و یا به معنای

<sup>۱</sup>. Pathology

«مطالعه علت بیماری و علائم مخصوص مرض و یا علائم غیرعادی هر چیزی» (آریانپور، ۱۳۵۳: ۱۵۶۹) است. در اصطلاح هم مقصود از آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی عبارت است از:

«شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری که شکل‌گیری و تداوم آن‌ها می‌تواند فرآیند تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب را متوقف و یا به‌صورت محسوس کند نماید» (اخترشهر، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

درمجموع می‌توان گفت:

«... آسیب‌پذیری به موقعیت یا شرایطی اطلاق می‌شود که یک هویت فردی یا جمعی را مستعد خسارت، تخریب و شکست نماید. بدین‌جهت، وقتی می‌گوییم آسیب‌شناسی انقلاب، باید در پی آن باشیم که چه مجموعه عواملی سلامت انقلاب را مورد آسیب، تهدید، خسارت، تخریب و درنهایت شکست قرار می‌دهد» (مطهرنیا، ۱۳۸۲: ۷۵).

## ۲-۲. فرهنگ:

واژه فرهنگ<sup>۱</sup> از دو بخش «فر» که پیشامد است و در فارسی هخامنشی و اوستا به‌صورت فرا (fra) به معنی پیش‌آمده است و هنگ از ریشه اوستایی تنگ (thang) به معنی کشیدن و با پیشامد «آ» که به معنی قصد و نیت متداول است تشکیل شده، در زبان پهلوی نیز فرا هنگ (frahang) بوده است. فرهنگ معانی چون رأی، تدبیر و سنجیدگی نیز دارد؛ و هم‌چنین به‌معنای علم، فضل، دانش، عقل و ادب نیز آمده است و فرهنگیدن به معنی آداب و تربیت است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۲۲۷). در دائرةالمعارف «کوپر» نیز چنین آمده است:

«فرهنگ عبارت است از شیوه‌ی زندگی یک قوم، شامل الگوهای مرسوم تفکر و رفتار، دربردارنده ارزش‌ها، اعتقادات، قوانین و احکام و رفتار، سازمان سیاسی، فعالیت اقتصادی و هر چیز دیگر که از طریق یادگیری، نه توارث زیستی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد» (نویس، ۱۳۷۴: ۱۲).

درمجموع فرهنگ مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی است که برای آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

## ۳. اهداف و آرمان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی

زمانی می‌توان از آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی سخن گفت که اهداف و آرمان‌های آن به‌خوبی شناخته شود و با عنایت به آن، آسیب‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ بنابراین با بررسی قانون اساسی و دیدگاه‌های معمار انقلاب اسلامی و هم‌چنین شعارهای مردم انقلابی سعی گردید،

<sup>2</sup>. Culture

اهداف و آرمان‌ها انقلاب اسلامی موردبررسی قرار گیرد. بنا بر رویکردها و تبیین‌های فرهنگی انقلاب اسلامی، تحولات ارزشی در جامعه قبل از انقلاب اسلامی از علل واکنش مردم ایران به حاکمیت شاه و ظهور انقلاب بوده است. به عبارت دیگر، اگر انقلاب را قرار گرفتن دو نظام ارزشی در مقابل یکدیگر تعریف کنیم، بنا بر دیدگاه تحلیل‌گران، می‌توان انقلاب اسلامی ایران را عرصه رویارویی دو نظام ارزشی اسلامی - انقلابی در برابر نظام ارزشی شاهانه - فئودالی، در نظر گرفت (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۲۷) و اذعان داشت که در ایران قبل از انقلاب، جامعه دچار یک نابسامانی در نظام ارزشی خود شده بود که مردم علت این نابسامانی را در عمل حاکمان سیاسی می‌دیدند.

درواقع، آن چه بیش از مشکلات اقتصادی روی مردم تأثیر می‌گذاشت تغییر ساختار فرهنگی و اجتماعی ایران بود که تحت تأثیر فرهنگ غرب، معیارهای مذهبی، اخلاقی، فرهنگی ایران مورد تاخت‌وتاز قرار گرفته بود (محمدی، ۱۳۷۴: ۶۶). به عبارت دیگر، ترغیب و تشویق و شیوع آرمان‌ها و عقاید غربی منجر به گسترش نابسامانی، جا کنی فرهنگی، از خودبیگانگی و خدشه‌دار شدن هویت ملی شده بود که تمایل به بازبایی و بازپس‌گیری شخصیت و هویت ملی به مبارزه دامن‌داری علیه رژیم‌ها که متضمن ارزش‌ها، علایق و نفوذ خارجی بود، تبدیل شد (هادیان، ۱۳۷۵: ۲۱).

انقلاب اسلامی ایران که با رهبری امام خمینی رحمه الله علیه به وقوع پیوست، دارای ایدئولوژی خاصی بود. این ایدئولوژی خواستار دگرگونی بنیادی وضع موجود بود. ارزش‌هایی که توسط ایدئولوژی انقلاب مطرح شد، به‌طور عمده در منابع دینی و فرهنگ مردم وجود داشت. مردم خودشان، خواستار این ایدئولوژی بودند و حاضر بودند برای آن جان‌فشانی کنند. با طرح ایدئولوژی انقلاب از ناحیه‌ی امام و روحانیت، مردم نیز پیش‌تر به وضعیت خودآگاهی پیدا کردند. تأکید بر ساختن زمینه و بستر برای رشد و تعالی انسان و تکامل او و تأکید بر ارزش‌های فراملی و جهانی از خصوصیات ایدئولوژی رهبر انقلاب بود. وی رسالت خود را نجات انسان‌ها و کمک به همه‌ی مظلومان جهان و مسلمین عالم می‌دانست.

بنابراین می‌توان گفت انقلاب اسلامی با استفاده از ایدئولوژی انقلابی، باهدف احیای ارزش‌های اسلامی، صدور آن به جهانیان، حمایت از مظلومان جهان، تقویت تمدن اسلامی و نشر اخلاق و معنویت در جامعه شروع شد و به پیروزی رسید. انطباق ایدئولوژی انقلاب با نیازها، خواست‌ها، آرمان‌ها و عقاید مردم ایران موجب اقبال عمومی و پیروزی انقلاب شد. ایدئولوژی امام، ایدئولوژی ملی‌گرا نبود و شعارهای ملی‌گرایی هم نداشت، خصلت‌ها و ویژگی‌های یک ایدئولوژی ملی‌گرا را نیز کم‌تر دارا بود و یا تأکیدی بر آن‌ها نداشت. بلکه ارزش‌های مطرح‌شده در انقلاب ایران، ارزش‌های فراملی و جهانی و ارزش‌هایی نامحدود با حد و مرزی خاص بود.

آرمان‌های فرهنگی انقلاب، در یک عبارت کلی، چیزی جز آرمان‌های اخلاقی و تربیتی اسلام نیست. حضرت امام خمینی رحمه الله علیه بر این آرمان محوری همواره پافشاری داشت که هدف اصلی

انقلاب، زنده کردن احکام اسلام و تحقق آن در جامعه است. مقام معظم رهبری مدظله العالی در خصوص اهداف و آرمان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«برای انقلابی بودن شاخص‌هایی وجود دارد ... شاخص دوّم، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها که آرمان‌های انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همت برای رسیدن به آن‌ها داشته باشیم؛ ... همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف نشدن از هدف‌های بزرگ [است]. نقطه‌ی مقابل آن، تبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی است. بعضی سعی می‌کنند جامعه را و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند، بگویند آقا فایده‌ای ندارد، نمی‌شود، نمی‌رسیم؛ چه جوری ممکن است با این همه مخالفت، با این همه دشمنی؛ این نقطه مقابل آن شاخص دوّم است. شاخص دوّم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها» (۱۳۹۵/۳/۱۴).

از منظر قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان سند رسمی انقلاب، برخی از اهداف فرهنگی نظام که دولت موظف به تحقق آن می‌باشد، عبارت است از:

«ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛ تقویت روح تحقیق و ابتکار، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل سوم).

بر همین مبنا، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۱ مجموعه «اصول سیاست فرهنگی» نظام را تصویب و اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی را در آن تبیین و تعیین کرد. در این مصوبه اهداف کلی فرهنگی نظام به شرح ذیل بیان شده است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴: ۳۶۸):

۱. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان.
۲. انقلاب فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگ‌های بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات.
۳. به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در همه‌ی شئون و به فعالیت درآمدن استعدادهای خداداده و استحصال دفاین عقول و ذخایر وجودی انسان.
۴. آراسته شدن به فضائل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسانی متعالی.

۵. تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزش‌های موردنظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاهبانی از آن‌ها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب.

۶. درک مقتضیات و تحولات زمان و نقد و تنقیح دستاوردهای فرهنگی جوامع بشری و استفاده از نتایج قابل انطباق با اصول و ارزش‌های اسلامی.

در این مصوبه، مهم‌ترین اقدامات و اولویت‌های فرهنگی که برای تحقق اهداف بالا باید موردتوجه باشد، نیز بیان شده است و در پایان آن، همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های فرهنگی و آموزشی، مجری این سیاست‌ها شمرده شده‌اند. مسئولیت نظارت و ایجاد هماهنگی لازم در اجرای اصول سیاست فرهنگی، بر عهده‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است که تحت نظر ریاست رئیس-جمهور انجام می‌گیرد.

#### ۴. ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

از بررسی شعارهای ابتدای انقلاب اسلامی (پناهی، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۷۰)، سخنان و اعلامیه‌های مکرر امام خمینی رحمه الله علیه و دیگر پیشگامان نهضت، سازمان‌دهی و هدایت نهضت از مساجد و تحقق بسیاری از تحولات سرنوشت‌ساز نهضت در ایام مقدسی چون ماه محرم و عید فطر، به‌آسانی می‌توان پی برد که انقلاب اسلامی ایران، ماهیتی فرهنگی و دینی دارد. هرگاه این عنصر مهم در انقلاب وجود داشته باشد، می‌توان ادعا کرد که انقلاب، ماهیت خویش را حفظ کرده است و هرگاه این عنصر در نظام جمهوری اسلامی کم‌رنگ‌تر شود یا رنگ ببازد، بی‌تردید، انقلاب، ماهیت اصلی خود را ازدست‌داده است. هرچند به‌مرور زمان، نسلی جای خود را به نسل دیگر می‌دهد، ملاک حفظ ماهیت انقلاب، حفظ بقای فکر و اندیشه و فرهنگ انقلاب است نه بقای اشخاص. از این رو، ترور اشخاص انقلابی در انقلاب اسلامی نمی‌تواند ماهیت آن را دگرگون سازد، ولی ترور فرهنگ انقلابی قادر است انقلاب را استحاله و آن را به ضد خود تبدیل کند؛ بنابراین، هویت این انقلاب، عنصر فکری و فرهنگی آن است نه عنصر انسانی خارجی آن می‌باشد.

به‌عبارت‌دیگر، عنصر مقوم این انقلاب، افکار و اندیشه‌های طراح و معمار آن، حضرت امام خمینی رحمه الله علیه و رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی است. در صورتی که اندیشه‌های این دو، زنده و حرکت انقلاب، در همان مسیر و منطبق با همان چارچوب باشد، انقلاب همان انقلاب است، اما اگر مفاهیم و ارزش‌ها عوض یا کم‌رنگ شود و نشاط و شور انقلابی به ضعف گراید، باید اذعان کرد که انقلاب در حال پژمردن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

به جز روش‌های مرسوم در شناخت ماهیت یک انقلاب، نوع حکومت پس از انقلاب و تحولاتی که اتفاق می‌افتد نیز در این رابطه گویا است. رأی ۹۸/۲ درصدی کلیه کسانی که در سال ۱۳۵۸ حق رأی داشتند به تشکیل نظام جمهوری اسلامی و استقبال بی‌نظیر مردم ایران از ورود امام خمینی رحمه الله علیه به میهن و حتی شرکت و حضور بسیار گسترده و بی‌سابقه مردم در مراسم خاک-سپاری ایشان در سال ۱۳۶۸ همگی گویای نقش برتر عوامل فرهنگی در وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

این تحلیل، نقش عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناسی را نادیده نمی‌گیرد، اما معتقد است که عوامل فرهنگی در معنای وسیع و گسترده‌ی خود (مجموعه جنبه‌های مفهومی و ساختاری فرهنگی) در آغاز، پیش‌برد و پیروزی سریع انقلاب و تشکیل حکومت جدید و حتی تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۴۰ سال گذشته نقشی قاطع ایفا کرده‌اند.

تحلیل‌گران زیادی هم‌چون امام خمینی رحمه الله علیه، استاد مرتضی مطهری، حمید عنایت، سید حمید روحانی، علی دوانی، عباسعلی عمید زنجانی، میشل فوکو<sup>۱</sup>، منوچهر محمدی، حامد الگار<sup>۲</sup>، سعید امیر ارجمند، محمد شفیعی‌فر، حمید پارسانیا، محمدباقر حشمت‌زاده، حمیدرضا اخوان‌مفرد و لیلی عشقی (ملکوتیان، ۱۳۸۶: ۶۴) در جمع‌بندی علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی عقیده دارند عوامل فرهنگی، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است.

در مورد وقوع انقلاب اسلامی نیز باید گفت که اگر نقش عوامل متعدد فرهنگی از جمله رهبری حضرت امام رحمه الله علیه نبود، هیچ نیرویی قادر نبود با رژیم شاه که از حمایت خارجی، پول نفت، نیروهای نظامی قوی و قدرت بالای سرکوب مخالفان از طریق ساواک و گاردها برخوردار بود درافتد.

حامد الگار مکتب تشیع، ویژگی‌ها و رهبری امام خمینی رحمه الله علیه و ارائه اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی جامع را از عوامل ایجاد وضعیت انقلاب در ایران می‌داند. وی در این میان مکتب تشیع و آموزه‌های سیاسی - اجتماعی آن را مهم‌ترین علت انقلاب معرفی می‌کند و معتقد است که اگر اعتقاد عمیق توده‌های مردم ایران به اسلام و تشیع نبود، هرگز انقلاب رخ نمی‌داد (الگار، ۱۳۶۰: ۱۱۱). به نظر حمید عنایت وجه غالب در انقلاب ایران وجه فرهنگی و مسئله نقش مذهب در کل فرآیند انقلاب است. در واقع، فرهنگ سیاسی شیعه مهم‌ترین عامل ایجاد وضعیت انقلابی محسوب می‌شود (عنایت، ۱۳۷۷: ۶۵). تأملی در مطالبات مردم در جریان مبارزات مردمی از خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ نیز نشان می‌دهد که در مجموع، عوامل فرهنگی بیش‌ترین مطالبات مبارزان و مردم را در بر می‌گرفته است. به اعتقاد منوچهر محمدی جهت اصلی انقلاب احیای فرهنگ ایرانی - اسلامی بود و سیر پیروزی انقلاب نیز در توجه به این نکته است. وی اظهار می‌دارد:

<sup>1</sup> Michel Foucault

<sup>2</sup> Hamed Algar



«بر کسی پوشیده نیست که انقلاب اسلامی قبل از آن که یک انقلاب سیاسی یا اقتصادی باشد، یک انقلاب فرهنگی و برای احیای ارزش‌های دینی خود بوده است. ... انقلاب اسلامی با بازگشت به ارزش‌های موردقبول جامعه برخلاف تصورات بسیاری از اندیشمندان غربی در خصوص سپری شدن دوره‌ی دین‌داری و دین‌مداری موجب شگفتی همگان گردید» (محمدی، ۱۳۷۸: ۴۵۶).

مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> در خصوص ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی بیان می‌دارند که:

«در انقلاب اسلامی ایران، چند خصوصیت مهم وجود داشت که همه منطبق بر حرکت اسلامی صدر اول بود:

نخست، هدف‌گیری سیاسی؛ یعنی اراده‌ی قاطع بر حاکمیت دین خدا و این که قدرت از دست شیطان‌های ظالم و فاسد گرفته شود و حاکمیت و قدرت سیاسی جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی شکل گیرد. دوم آن که برای تحقق این هدف، از توده‌های مؤمن و آگاه و دردمند و فداکار - و نه از احزاب و گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی - نیروی انسانی لازم گرفته شد و رهبر حکیم، نصرت را پس از توکل به خدا، از نیروی لایزال مردم جستجو کرد.

سوم آن که خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب، یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی و استقلال سیاسی و استغنائی اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در منظر همگان قرار گرفت و شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» که به معنای تبدیل واقعی و همه‌جانبه بنیان‌های زندگی جاهلی به بنیان‌های اسلامی است، مطرح گردید.

چهارم آن که رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دل‌های بی‌ایمان و ظرف‌های تهی را از فیضان ایمان خود در صحنه عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی‌ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پُر کند.

پنجم آن که صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کج‌روی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود، ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدف‌ها، استوار و بی‌اعوجاج باقی ماند» (بیانات مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup>: ۱۳۶۹/۳/۱۰).

امام خمینی <sup>رحمه الله علیه</sup> رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران که همه‌ی نقش‌ها و کارکردهای رهبری در انقلاب را به‌خوبی تدوین و اجرا کرد - مانند نقش‌های فرمانده، معمار و ایدئولوگ و کارکردهایی مانند تدوین راهبردها و تاکتیک‌های حرکت انقلابی و غیره - در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های پیش و پس از وقوع انقلاب در پاسخ به چپستی، چرایی و چگونگی وقوع انقلاب اسلامی به یک رهیافت تمام‌عیار فرهنگی، معتقد است. به نظر امام خمینی <sup>رحمه الله علیه</sup> رمز وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی را باید در تغییر انفس مردم یعنی ایمان و اسلام‌خواهی، درخواست

تشکیل حکومت اسلامی، اتکای به خداوند، شهادت‌طلبی (صحیفه نور، ج ۶: ۴۹۱)، وحدت ملت بر مبنای اسلام و اعتماد به نفس (صحیفه نور، ج ۱۸: ۹۳) جست‌وجو کرد.

بر اساس آنچه درباره رهیافت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران گفته شد و به‌نوعی اکثر نویسندگان و پژوهشگران حوزه نظری انقلاب اسلامی بر آن تأکید دارند و آرمان‌ها و اهداف انقلاب هم قبل از این‌ها ترسیم شد، اینک نوبت آن است که با توجه به دو مورد اشاره‌شده، در راستای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش، آسیب‌های فرهنگی که از بُعد داخلی متوجه این نوع نگاه به انقلاب اسلامی است، مورد پردازش قرار گیرند.

## ۵. آسیب‌های فرهنگی انقلاب اسلامی

فرهنگ، صفت ذاتی هر جامعه و چگونه بودن آن است. اگر فرهنگ را از یک ملت بگیرند، آن نسل را فقیر نکردند بلکه او را مسخ کردند، بنابراین هرگاه فرهنگ را از یک انسان بافرهنگ و دارای ثروت انسانی گرفتند، او هم‌چون مجسمه درآمده و رنگ‌پذیر می‌شود و هر لباسی که بخواهند به‌سادگی به تنش می‌کنند، آدمی چنین بی‌فرهنگ، تنها معرفش انفعال‌پذیری است؛ و به‌عنوان ابزاری به فرمان دشمن و بیگانه، به هر شکل درمی‌آید.

انقلاب اسلامی ایران همان‌طور که در بالا اشاره شد، یک انقلاب فرهنگی و ارزشی است و آرمان انقلاب نیز، تحقق جامعه‌ای نمونه و دارای شاخص‌های رشد و تعالی انسانی و اسلامی است. همان‌طور که معمار کبیر انقلاب اسلامی نیز، فرهنگ را اساس ملیت و استقلال یک ملت می‌داند (صحیفه نور، ۵۸/۸/۲۹)؛ و تخریب آن را به‌وسیله رژیم پهلوی بزرگ‌ترین آسیب به شمار می‌آورد (صحیفه نور، ۵۸/۳/۸). در هر انقلاب یا پدیده اجتماعی یکی از مهم‌ترین تهدیدات و آفت‌ها که موانعی را در مسیر آن پدید می‌آورد، آسیب‌های داخلی است. در شناخت و تحلیل این آسیب‌ها از بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> بهره می‌جوییم. ایشان در تبیین آسیب‌های داخلی انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«دو خطر عمده انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند: ۱. خطر دشمنان خارجی؛ ۲. خطر استحاله داخلی... دشمنی دوم و آفت دوم هم آفت اضمحلال درونی است که این مخصوص غریبه‌ها نیست، بلکه مخصوص خودی‌ها و در درون نظام است. در یک نظام ممکن است خودی‌ها برائرت خستگی، اشتباه در فهم راه درست، مغلوب احساسات نفسانی شدن، نگاه کردن به جلوه‌های مادی و آن‌ها را بزرگ انگاشتن، ناگهان در درون دچار آفت‌زدگی بشوند. این دشمن البته خورش بیش-تر از دشمن اولی است» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۱/۱۱/۶).

بنابراین آسیب‌های داخلی که در کوتاهی، بی‌توجهی، سستی و غفلت ریشه دارد، از آسیب‌های بیرونی و توطئه‌ی دشمنان خارجی خطرناک‌تر است؛ زیرا آن‌جایی دشمنان خارجی موفق می‌شوند

که جامعه اسلامی در درون سست و غافل باشد. حال با توجه به جایگاه ویژه و اهمیت شناخت آسیب‌های فرهنگی با نگاهی درون‌گرایانه، نمونه‌هایی از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در جهت پیشگیری از آسیب‌های احتمالی آن، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی لازم به عمل آید.

### ۵-۱. فراموشی اهداف و آرمان‌های انقلاب:

به‌عنوان نمونه مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> در دیدار هیئت دولت به بیان یکی از شعارهای انقلاب اسلامی یعنی «عدالت» پرداخت و می‌گویند:

«دولت ... نگذاشت به فراموشی سپردن این شعار بشود یک سنت ... منتها نباید ارزش عدالت به‌عنوان یک ارزش درجه‌دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود. در نظام ما این خطر وجود داشته است ...» (بیانات مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup>: ۱۳۸۴/۶/۸).

امام خمینی <sup>رحمه الله علیه</sup> در موارد فراوان، انگیزه الهی را به‌عنوان یک اصل مهم در انقلاب اسلامی مطرح می‌کرد و وجه تمایز این انقلاب با انقلاب‌های دیگر را در «انگیزه انقلاب و قیام» می‌دانست؛ بنابراین تضعیف، از دست دادن و یا فاصله گرفتن از این آرمان بلند در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، موجب تحریف در مقصد و هدف محسوب می‌شود و بنا به سفارش ایشان که می‌فرمود:

«این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر این سفارش فرموده است، از دست ندهید» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۴۰۳).

نباید با جایگزینی انگیزه‌های مادی از دست بدهیم و باعث شویم اهداف عالی انقلاب به مقاصد نازل و سطحی تنزل کنند. برای نمونه، گسترش فرهنگ تملق و چاپلوسی، حاکم نشدن ارزش‌های اسلامی در تمام عرصه‌ها، قدرت‌طلبی، کسب وجهه، شهرت‌طلبی، حزب‌گرایی، سوءاستفاده از آزادی و ... از خطرهای عمده تهدیدکننده برای اهداف انقلاب شمرده می‌شوند.

بنابراین وجود این نوع نگرش و رفتار در عرصه مدیریت کشور، از جمله خطرات جدی است که انقلاب اسلامی را تهدید نموده و زمینه انحراف آن را فراهم می‌آورد. در این شرایط، وظیفه مدیران ارشد و رهبران انقلاب است که با آگاهی و شناخت از آن‌ها، تدابیر لازم و برنامه‌ریزی مناسب را جهت رفع آن به عمل آورند.

### ۵-۲. مایوس کردن مردم از اسلام با ارائه چهره وارونه از آن:

مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> تبلیغات برای وارونه جلوه دادن واقعیات نظام اسلامی را شیوه‌ی چندین ساله‌ی دشمن می‌خوانند و می‌فرمایند:

«البته این تبلیغات در سال‌های اخیر بیش‌تر شده است زیرا مسئولان و دولت شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح می‌کنند و خط امام رحمه الله علیه و انقلاب اسلامی و کار برای مردم بسیار برجسته است» (دیدار جمعی از بسیجیان استان قم با رهبر انقلاب، ۱۳۸۹/۸/۲).

در ادامه همین موضوع می‌فرمایند:

«امروز سعی دنیا این است که ملت ایران را از ادامه راه امیرالمؤمنین و راه اسلام مأیوس کند. من به شما و به همه ملت ایران عرض می‌کنم: امروز بزرگ‌ترین جهاد در میدان تبلیغات، این است که کسی بتواند ملت ایران را به عاقبت و فرجام این راه امیدوار کند. هر کس مردم را ناامید کند، به این ملت خیانت کرده است» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۶/۱۰/۱۳۷۲).

این مأیوس کردن از ناحیه طیف فکری ارتجاع باشد یا متجدد، هدف دلسرد کردن ملت‌ها از اسلام و باز کردن راه برای استعمار است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «مردم اسلام را به تن می‌کنند؛ ولی آن‌چنان که پوستین را وارونه به تن می‌کنند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷: ۳۲۴). حضرت امام خمینی رحمه الله علیه نیز اسلام واقعی و رهایی‌بخش - به قول خود اسلام ناب - را مفروض می‌گرفت و قائل بود: «اگر به مردم ارائه شود همه دنیا آن را می‌پذیرند» (صحیفه نور، ج ۷: ۳۳)؛ اما وارونه نشان دادن چهره‌ی اسلام توسط طیف‌های مختلف و یا در عمل توسط خود حکومت، بدین‌صورت که محتوای حکومتی به‌ظاهر اسلامی باشد و چهره‌ای که از اسلام ارائه می‌شود چنان وارونه و به دور از واقعیت که دل‌های پاک به آن رغبت نکنند، از آسیب‌های تهدیدکننده است؛ زیرا کنار گذاشتن اسلام در ایران ناممکن است؛ اما وارونه جلوه دادن آن آسان است که در این صورت هم مردم و هم کارگزاران و حکومت و از همه مهم‌تر خود اسلام متضرر می‌شود؛ بنابراین می‌فرمایند:

«اگر روحانیون که در رأس جامعه هستند روی موازین و مقررات به‌طور دقیق عمل نکند، اگر دولت به‌طور دقیق عمل نکنند ... و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام، یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می‌شود... بنابراین کوشش کنیم وجهه اسلام را آن‌طور که هست نمایش بدهیم...» (صحیفه نور، ج ۷: ۱۹۵).

این رویکرد ضمن وارونه نشان دادن دین، یأس داخلی و خارجی را در بردارد، پس مسئولان نظام با عنایت به این سفارش گهربار امام، باید خود را ارزیابی کنند و در ضمن آن، به اقبال و ادبار مردم به‌دقت بنگرند و تفسیر به رأی را کنار بگذارند و با مراجعه به اعمال خود، برداشت طاغوتی از حکومت اسلامی را نیز از ذهنیت‌ها پاک کنند؛ زیرا جمهوری ما متصف به صفت اسلامی است و اگر رعایت نشود، مرتکبان این رویه‌ها مقصرند که حکومت اسلامی چهره ضد خود - حکومت طاغوتی - به خود بگیرد و این‌ها با اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی موجب سستی و شکست حکومت می‌شوند و امام رحمه الله علیه از این بابت، آن را از آسیب‌های عمده برشمرد و همگان را از آن بر حذر می‌داشت.

### ۵-۳. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و روی آوردن به ضد ارزش‌ها:

هرچه از مدت‌زمان مبارزه برای پیروزی انقلاب کم‌تر باشد، حضور ارزش‌های قبلی در جامعه بیش‌تر نمودار است و با سقوط یک رژیم سیاسی، ارزش‌های مسلط آن از بین نمی‌رود. ازجمله آن‌ها می‌توان به خودباختگی، فساد اخلاقی، رشوه‌خواری، راحت‌طلبی و ... اشاره کرد، که اگر مبارزه مستمری با آن‌ها صورت نگیرد ارزش‌های رژیم سیاسی گذشته، دوباره بر شرایط انقلاب مسلط شده

و انقلاب را به نابودی می‌کشاند. در همین زمینه مقام معظم رهبری مدظله العالی در جمع فرماندهان نیروی انتظامی می‌فرماید:

«یک نکته وجود دارد که در حقیقت چارچوب همه این هاست و من می‌خواهم آن نکته را، هم به شما و هم به آحاد ملت عرض کنم. آن نکته دفاع از ارزش‌های اسلامی است. اگر فرض کنیم در مجموعه‌ای، مثلاً نیروی انتظامی یا یک مجموعه غیرنظامی، عده‌ای که مؤمن، پرهیزکار، مقید به امانت، پاک‌دامن و معتقد به انقلاب‌اند و خود را سرباز و مدافع ارزش‌های انقلابی و معنوی می‌دانند، احساس کردند که در این مجموعه، غریب و تنها هستند، باید کشف کنید که بر فضای داخلی این مجموعه، ارزش‌های اسلامی حاکم نیست؛ اما به عکس، اگر کسانی که در این مجموعه، ضد ارزش‌های انقلابی و اسلامی هستند و اعتنایی به امانت، پاک‌دامنی، تقوا، حفاظت از احکام و مقررات اسلامی، دین، عبادت، نماز، حضور و سایر نمادها و شاخص‌های معنوی نمی‌کنند، احساس کردند که در این مجموعه تنها و بی‌پشتیبان هستند، این حاکی از آن است که بر فضای درونی این مجموعه، ارزش‌های الهی و اسلامی حاکم است. این، یک معیار است و در تمام دستگاه‌های دولتی و تمام صحن محیط اجتماع، باید این گونه باشد» (بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی: ۱۳۷۴/۴/۲۱).

در شرایط کنونی نیز، استعمارگران و دشمنان اعتقادات دینی و هویت ملی، با توهین به ساحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی از محافل بین‌المللی و داخلی در پوشش ترویج و دفاع از آزادی بیان، به دنبال تضعیف روحیه‌ی مقاومت مردم مسلمان ایران در قبال سلطه‌ی استعمارگران می‌باشند؛ مهم‌ترین آثار آن، بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های مذهبی و ملی، انقطاع از هویت فرهنگی گذشته و آینده‌ی کشور؛ و به عبارت دیگر تزلزل در اعتقاد به فرهنگ دینی و ملی، بی‌هویتی، موضع-گیری در برابر فرهنگ بومی، ترویج فساد و فحشا (ابتذال اخلاقی)، ایجاد اختلاف در میان اقشار ملت و ... است. بنابراین، گسترش چنین فرهنگی در جامعه‌ی کنونی، موجب خسارت و آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌شود و به‌عنوان یکی از آسیب‌های جدی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

#### ۴-۵. ارتجاع و بازگشت به گذشته و غفلت از اصول و مبانی اسلامی:

هرگونه آسیب بر ارزش‌های فرهنگی و بازگشت به ارزش‌های گذشته، آفتی بزرگ بر پیکر انقلاب اسلامی خواهد بود. زیرا میکروب بازگشت به گذشته، دشمن بزرگ هر انقلابی است که به درون جامعه‌ی انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد. این خدشه عمدتاً، با غفلت از ارزش‌ها و اصول فرهنگی انقلاب و قرار گرفتن در حیطه فرهنگ طاغوتی گذشته بروز می‌نماید. مقام معظم رهبری مدظله العالی در این باره هشدار می‌دهد:

«میکروب رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلاب نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد و دشمن نیز با آگاهی از این حقیقت، برای مشاهده‌ی اثرات این میکروب در کالبد سالم و نیرومند نظام اسلامی به انتظار نشسته است. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان

جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی و اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلاب، نشانه‌هایی از تأثیر میکروپ ارتجاع و عقب‌گرد است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی، مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی - که خود یک فساد بسیار خطرناک است و نیز جاه‌طلبی‌های غلط و نامشروع، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند [و بناهای طاغوتی، غیر خدایی و ضد ارزش جایگزین آن خواهد شد و این همان رجعت و ارتجاع است] (دیدار مسئولان و کارکنان سپاه و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان با رهبر انقلاب، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵).

انقلاب اسلامی ایران بیش از هر چیز به‌عنوان یک انقلاب فرهنگی، در جهت رشد فرهنگی جامعه و روی آوردن اقشار مختلف جامعه به ارزش‌های معنوی و اسلامی است؛ غفلت از ارزش‌های اسلامی و اصول فرهنگی انقلاب اسلامی و بازگشت به فرهنگ گذشته طاغوتی با مصادیق آن، از انقلاب پوسته‌ای بدون محتوا و هویت اسلامی باقی خواهد گذاشت و در پی آن انحرافی در انقلاب اسلامی و آسیب جدی در آن به وجود خواهد آورد. در این صورت رهبران و مدیران ارشد باید تدابیر و برنامه‌ریزی لازم را در جهت رفع آن به عمل آورند.

#### ۵-۵. سیاسی کاری نهادهای فرهنگی:

عنصر «سیاست» به معنی چارچوب‌ها و شیوه‌های اداره‌ی جامعه و مباحث مربوط به آن، از جدی‌ترین و مهم‌ترین عناصر تلاش‌ها و تدابیر فرهنگی است و نمی‌توان فرهنگ را از عنصر سیاست عاری و خالی دانست. هر اثر و اقدام فرهنگی، خواه‌ناخواه دارای تأثیری سیاسی هم هست؛ اما آنچه مانع حرکت منطقی و مطلوب بخش فرهنگ برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های ترسیم‌شده می‌گردد، سیاست‌زدگی بخش فرهنگ است. گرچه مسئولان سیاسی بلندپایه و حتی مسئولان ارشد فرهنگی کشور، بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که فرهنگ باید از سیاست زدگی در امان بماند، اما در عمل متأسفانه چنین نشده است.

حمایت‌های خاص و جهت‌دار سیاسی برخی دستگاه‌های فرهنگی از ابزارها، چهره‌ها و جریان‌های فرهنگی جناحی و حزبی، بدون ملاحظه نسبت آن‌ها با اهداف و آرمان‌های فرهنگی نظام و خارج از چارچوب‌های منطقی و موجه، به تدریج به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته شده درآمده است. هم‌چنین نصب و عزل‌های ناشی از معیارهای جناحی و حزبی در مدیریت‌های فرهنگی، آفتی است که عرصه‌ی فرهنگ را نیز به سیاست‌زدگی مبتلا کرده و این عامل، دستگاه‌های فرهنگی را از توجّه نمودن به رسالت عظیم انقلاب و پیگیری اهداف و آرمان‌های فرهنگی آن، منصرف ساخته است.

#### ۵-۶. تحجر و مقدس‌نمایی:

تحجر یعنی، جمود و انعطاف‌ناپذیری است؛ حالتی که شخص در مقابل هر پدیده‌ی جدید به دلیل تازه بودن آن، واکنش منفی از خود نشان می‌دهد. تحجر عوامل متعددی دارد که عمده‌ترین

آن‌ها جهل، غرور و تکبر است. بنابراین، متحجر آن‌چه را درست می‌پندارد، علم تلقی می‌کند و در نتیجه حاضر نیست از پندار خود عدول کند، این غرور باعث خودبزرگ‌بینی متحجر شده و اجازه اعتراف به اشتباه را نمی‌دهد (بهرامی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). متحجرین و مقدس‌نماها، همیشه آلت دست بیگانه‌ها قرار گرفته و مانع ترقیات اسلامی شده‌اند. در صدر اسلام متحجرین به‌طور متشکل، به مبارزه با قرآن ناطق و حجت خلق برخاستند و میدان را برای فرصت‌طلبان گشودند. نمونه بارز این تفکر در زمان حضرت علی علیه السلام، در جنگ صفین بود که ایشان را مجبور به پذیرش حکمیت نمودند؛ اما پس از این که حکمیت نتیجه مطلوب نداد، در مقابل امام ایستادند و جنگ نهروان را برپا کردند. سرانجام امام علی علیه السلام به دست یکی از این مقدس‌نماها (خوارج) به شهادت رسید.

هم‌زمان با شروع نهضت امام خمینی رحمه الله علیه در سال ۱۳۴۱ و مبارزه ایشان علیه رژیم ستم‌شاهی، متحجرین و مقدس‌نماها سد راه مبارزه شده، به‌طوری که امام خمینی رحمه الله علیه مبارزه با این‌ها را هزار بار سخت‌تر از مبارزه با رژیم پهلوی می‌دانستند (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی، این نوع افراد به مبارزه با نظام اسلامی برخاستند و برخی نیز به ملحدین و ضدانقلاب پیوستند، برخی دیگر در کشور ماندند و سعی کردند به هر وسیله مشروعیت نظام را زیر سؤال برده و خوراک تبلیغاتی برای رسانه‌های گروه بیگانه تهیه کنند. امام خمینی رحمه الله علیه در پایان عمرشان گوشه‌ای از خیانت‌های آن‌ها را نسبت به اسلام اشاره کرده و بیان نمودند:

«خون‌دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشار و سختی‌های دیگران نخورده است و آن قدر اسلام از این مقدسین روحانی‌نماها ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۱).

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی نیز، خطر این تحجر را این‌گونه بیان نمودند:

«... تحجر آن است، کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را، در آن‌جایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور، که نیاز لحظه‌به‌لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد؛ این بالای بزرگ است. اگر در رأس نظام‌های سیاسی که بر اساس اسلام تشکیل شده است یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام بدنام خواهد شد و نخواهد توانست از منبع لایزال و احکام اسلامی، جامعه را به پیش ببرند و امام خمینی رحمه الله علیه خود را از این آفت مبرا کرد و...» (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

بنابراین می‌توان گفت، وجود چنین گرایش‌های و حضور آن‌ها در عرصه مدیریت، خسارات جبران‌ناپذیری در اداره کشور به وجود آورده و به‌عنوان یکی از آسیب‌های جدی انقلاب محسوب

می‌شود. از این رو، رهبران و مدیران ارشد نظام باید تدابیر و برنامه‌ریزی لازم را در جهت مقابله با آن‌ها فراهم آورند.

#### ۵-۷. ضعف‌های مدیریتی بخش فرهنگ:

مدیران فرهنگی، نقشی برجسته در کم و کیف حرکت به سوی آرمان‌ها و اهداف فرهنگی ایفا می‌کنند؛ نقشی که به مراتب از نقش مدیران سایر بخش‌ها در حیطه کارشان برجسته‌تر و مؤثرتر است. اصول سیاست فرهنگی کشور تأکید می‌کند که:

«شرط لازم برای تحقق چنین مطلبی [یعنی تأمین رشد فرهنگی جامعه] آن است که در هر کشور زمامداران اصول‌گرا و واقع‌نگر بتوانند ... با حداکثر بهره‌گیری از دریای لایزال اراده و ایمان معنوی و الهی مردم به‌طور هماهنگ و هم‌سو سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرده، اهم محورهای لازم برای این حرکت را تشخیص داده و تعیین کنند» (اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: ۶).

اگر در سطوح و لایه‌های گوناگون مدیریت فرهنگی، اصول‌گرایی، واقع‌نگری، توان و تخصص برنامه‌ریزی با بهره‌گیری از امکانات معنوی و مادی جامعه در حد نصاب لازم وجود نداشته باشد، قطعاً نمی‌توان توفیق چندانی را برای حرکت رشد‌یابنده فرهنگی جامعه انتظار داشت.

#### ۵-۸. انفعال‌پذیری و تجددگرایی افراطی:

انفعال‌پذیری، یعنی اعتقادات و فرهنگ یک ملت به‌گونه‌ای تخریب، تضعیف و مسخ می‌شود که آن ملت هم‌چون مجسمه درآمده و رنگ‌پذیر می‌شود؛ معرف چنین فرهنگی انفعال‌پذیری است؛ یعنی به‌عنوان ابزاری به‌فرمان بیگانه درآمده و هر کاری را با ارزش‌های بیگانه محک زده و نسبت به ارزش‌های مذهبی و فرهنگ ملی خود بی‌تفاوت گردیده و حتی در برابر آن موضع منفی اتخاذ می‌نماید. تجددگرایی یعنی آراستن اعتقادات و فرهنگ یک ملت به آن‌چه از آن نیست و پیراستن اعتقادات و فرهنگ یک ملت به آن‌چه از آن‌ها است، مقصود از این کار، رنگ زمان زدن و باب طبع کردن آن‌ها است (مطهری، ۱۳۶۷: ۹۲).

داشتن روحیه انفعال‌پذیری و تجددگرایی افراطی یعنی محک زدن هر کاری با ارزش‌های غربی و خودباختگی در برابر غرب است. به تعبیر دیگر، انفعال‌پذیری و تجددگرایی افراطی بیانگر تلفیق اندیشه اسلامی با اندیشه‌های غیر اسلامی برای زیبا جلوه دادن آن است. این نگرش غیر اسلامی یا به‌ظاهر اسلامی، گاهی با رنگ و بوی اندیشه ماتریالیستی یا لیبرالیستی و مدرنیته یا پست‌مدرن و ... تلفیق شده و در ادوار مختلف انقلاب شاهد آن بودیم. این آسیب خطر بزرگی است که انقلاب‌ها و اصالت ملت‌ها را تهدید می‌کند. مقام معظم رهبری<sup>مدظله العالی</sup> در این زمینه نکات مهم و قابل توجهی را بیان نمودند:



«... آن چیزی که باید مورد توجه قرارگیرد ... این است که دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمی‌توانند در میدان مبارزه رویارویی، کار مؤثری با این نظام انجام بدهند، ... وقتی از همه‌ی این‌ها یعنی اقتصادی، نظامی، امنیتی و انفجار داخلی مأیوس می‌شوند، یک راه برای آنان باقی می‌ماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را به مواضعی برخلاف اصول خود سوق دهند. یا به عبارت ساده‌تر و روشن‌تر او را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه مسائل انقلاب برگردد حرف و مواضع خود را تخطئه بکند و خودش را دچار تناقض نماید...» (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

بنابراین به نظر می‌رسد، برای مقابله با تجددگرایی افراطی و تحجر به‌عنوان آسیب‌های جدی انقلاب اسلامی، باید جانب اعتدال را رعایت کرد تا از افراط و تفریط پرهیز نمود. این راهبرد ارزشمند، راهی بود که امام خمینی رحمه الله علیه با انتخاب آن، رستاخیز قرن را به وجود آورده و نوید تمدن اسلامی را به ما ارزانی داشته است.

### ۵-۹. ناآگاهی و غفلت از تهاجم فرهنگی:

از آن‌جا که کار فرهنگی زیربنایی و اساسی است، تهاجم فرهنگی به‌صورت زیربنایی صورت می‌گیرد؛ و نقش تهاجم فرهنگی نیز، ایجاد اختلال در روابط استراتژیک و کلیدی یک نظام و ملت است؛ زیرا، هرگاه فرهنگ حاکم بر یک جامعه تغییر کند موجب تغییر کیفی در همه‌ی ابعاد زندگی و رفتار افراد جامعه و نظام خواهد شد. در واقع مجموعه‌ی معیارها، ارزش‌ها و افعال جامعه دگرگون می‌شود و خسارات ناشی از آن به‌سادگی قابل جبران و بازسازی نخواهد بود. همان‌طور که، بسیاری از مشکلات فرهنگی و ... جامعه‌ی امروز ما، از بقایای ده‌ها سال سلطه‌ی فرهنگی غرب بر این کشور است.

مهم‌ترین آثار تهاجم فرهنگی؛ بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های ملی و مذهبی، انقطاع از گذشته و آینده‌ی کشور، تزلزل در اعتقاد به فرهنگ بومی، بی‌هویتی، پذیرش فرهنگ مهاجم، موضع‌گیری در برابر فرهنگ بومی، ترویج فساد و فحشا، ابتذال اخلاقی، ایجاد اختلاف در میان اقشار مختلف ملت و ... است. مقام معظم رهبری مدظله العالی با احساس خطر تهاجم فرهنگی دشمنان، به مسئله‌ی مدیریت و «دفاع فرهنگی» و سپس «مهندسی فرهنگی» در درون جامعه اسلامی پرداخته، یکی از آفت‌های داخلی را غفلت فرهنگی می‌شمرد:

«من احساس می‌کنم که در زمینه اداره فرهنگ اسلامی این جامعه، داریم دچار یک نوع غفلت و بی‌هوشی می‌شویم - یا شدید - که بایستی خیلی سریع و هوشیارانه آن را علاج کنیم» (سخنرانی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۹/۱۴).

ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند:

«درک نادرست، کج سلیقگی و دیرفهمی در مسائل فرهنگی، به بروز ضایعه مهمی منجر خواهد شد که در نتیجه آن، افکار صحیح میدان عمل پیدا نخواهند کرد» (دیدار مسئولان فرهنگ و ارشاد اسلامی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۲/۲/۳۱).

به تعبیر دیگر، غفلت از تهاجم فرهنگی، از جمله آسیب‌های بسیار خطرناک انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که خسارات آن به‌سادگی قابل جبران و بازسازی نخواهد بود. مقام معظم رهبری مدظله العالی در این زمینه، نکات مفیدی را بیان نمودند:

«دشمن به‌شدت مشغول تهاجم فرهنگی است و این تهاجم گاهی به دست عنصر خودی غافل، بی‌توجه و فاقد بینش صحیح سیاسی انجام می‌گیرد» (دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۷۷/۲/۳۰).

بنابراین، با توجه به شرایط امروزی جهان و وضعیت داخلی ایران، به‌خصوص جمعیت گسترده نسل جوان که در نقاط مختلف کشور وجود دارد؛ نیاز به تحکیم فرهنگ اسلامی و تبیین آن برای نسل جوان و بیان راه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه (جهت آسیب رساندن به حوزه فرهنگ، هویت جامعه و...)، است.

#### ۵-۱۰. عدم تمدن‌سازی فرهنگی و توقف در عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی:

هر انقلابی بعد از مرحله‌ی تخریب نظام سیاسی گذشته، به دنبال تثبیت خود است و بعد از مرحله‌ی تثبیت نیز، به دنبال ثبات و دوام خود است. در این مرحله نظریه‌پردازان و ایده‌پردازان انقلاب باید به دنبال تئوری‌پردازی در جهت تمدن‌سازی باشند؛ یعنی بعد از گذر از مرحله سیاسی - اجتماعی انقلاب که پیام و آثار خود را در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی به‌جای گذاشت، برای ماندگاری و تداوم انقلاب، باید در عرصه‌ی فرهنگی نظریه‌پردازی و به دنبال آن تمدن‌سازی نمود؛ همان‌طور که انقلاب فرانسه، بعد از انعکاس سیاسی - اجتماعی در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی، اکتفا به آن ننموده و به دنبال نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی بوده و ماندنی شده است.

اما انقلاب اکتبر روسیه با توجه به انعکاس سیاسی - اجتماعی در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی به دنبال نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی فرهنگی نبوده و به خاطر غفلت از آن، بعد از هفتاد سال به شکست و فروپاشی انجامید و به موزه‌ی تاریخ سپرده شد و نهایتاً فقط نامی از آن به‌جای مانده است. مقام معظم رهبری مدظله العالی در خصوص تحقق تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند:

«[راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد،

انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه نکند ... زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی ...» (۱۳۹۵/۷/۲۸).

ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز درصد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این‌طوری شود» (۱۳۹۵/۷/۲۸).

بنابراین، انقلاب اسلامی اگر می‌خواهد بماند و تداوم داشته باشد، بعد از انعکاس سیاسی اجتماعی در عرصه داخلی و بین‌المللی که از این مرحله گذشته است، باید به دنبال نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی فرهنگی باشد، اما این مسئله در جامعه کنونی به‌عنوان یکی از خلأهای جدی و بحرانی است که مورد غفلت قرار گرفته و انقلاب اسلامی را تهدید می‌نماید. پس نظریه‌پردازان، رهبران و مدیران ارشد نظام اسلامی، باید در فرهنگی به دنبال نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی باشند و تدابیر و برنامه‌ریزی لازم را در این زمینه به عمل آورند.

## ۶. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در این مقاله، حاکی از آن است که مهم‌ترین آسیب‌هایی که از دیدگاه مقام معظم رهبری<sup>مدظله العالی</sup> می‌تواند انقلاب اسلامی را از زاویه فرهنگی تهدید کند، عبارت‌اند از: فراموشی اهداف و آرمان‌های انقلاب، فقدان برنامه‌ریزی، مأیوس کردن مردم از اسلام با ارائه چهره وارونه از آن، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و روی آوردن به ضد ارزش‌ها، ارتجاع و بازگشت به گذشته و غفلت از اصول و مبانی اسلامی، سیاسی‌کاری نهادهای فرهنگی (غلبه تصمیم‌های سیاسی بر تصمیم‌های منطقی و اصولی)، تحجر و مقدس‌نمایی، فقدان نظام برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان به علت نبود مدیریت واحد فرهنگی، انفعال‌پذیری و تجددگرایی افراطی، ناآگاهی و غفلت از تهاجم فرهنگی، عدم تمدن‌سازی فرهنگی و توقف در عرصه سیاسی اجتماعی، خلأهای ساختاری در بخش فرهنگ، فاصله انتظارات و مقدرات، غرق شدن در فعالیت‌های روزمره و حال و غفلت از آینده (نبود بینش آینده‌نگری)، گسترش ظاهرنگری، سطح‌نگری، جزم‌اندیشی و عوام‌زدگی در فعالیت‌های فرهنگی، تداخل وظایف و فعالیت‌های موازی نهادهای فرهنگی و دینی، تعدد متولیان فرهنگی کشور، شفاف نبودن جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و مأموریت‌های فرهنگی، فاصله‌گیری و دور

شدن نهادهای فرهنگی و دینی از مردم، به‌روز نبودن نهادهای فرهنگی از دیگر آسیب‌های فرهنگی انقلاب اسلامی از بُعد داخلی است.

نگاهی به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران، مشخص می‌کند که ماهیت انقلاب ما - به قول استاد مطهری - «طرد همه‌ی ارزش‌های غیر اسلامی و تکیه بر ارزش‌های مستقل اسلامی» (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۸). بوده است؛ اما با وجود همه‌ی تلاش‌ها و اقدامات فرهنگی دوران پس از انقلاب و با اذعان به تحول مثبت چشمگیری که در عرصه‌ی فرهنگی تحقق یافته است، هنوز فاصله‌ای طولانی تا تحقق آرمان‌های فرهنگی خود، احساس می‌کنیم. بخشی از عوامل این فاصله، مرتبط به اقدامات و فعالیت‌های مخرب فرهنگی است که از خارج از جامعه‌ی ما بر ما تحمیل شده است و بخش بیش‌تری ناشی از کاستی‌ها و خلأهایی است که در عرصه ساختاری، سیاست‌گذاری، مدیریتی و برنامه‌ریزی بخش فرهنگ به چشم می‌خورد. جبران این خلأها و کاستی‌ها، درگرو فعال-تر شدن عناصر دغدغه‌مند و متعهد جامعه، به عهده گرفتن مسئولیت و ایفای نقش فرهنگی و به‌خصوص تلاش برای انطباق هرچه بیش‌تر رفتار خود و وضعیت فرهنگی محیط کار و زندگی خویش با ارزش‌های متعالی اسلامی و نیز تعمیق و گسترش یافتن مطالبات فرهنگی است.



## منابع:

- آریان‌پورکاشانی، عباس و آریان‌پورکاشانی، منوچهر (۱۳۵۳). **فرهنگ دوجلدی دانشگاهی انگلیسی - فارسی**. ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- اختر شهر، علی و مسلمی پطروودی، حمیدرضا (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی با محوریت وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)»، **مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی**، ج ۳، قم: نشر معارف.
- بهرامی، قدرت الله و نظر پور، مهدی (۱۳۸۶). **انقلاب اسلامی و انقلاب‌های جهان**. قم: زمزم هدایت.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی**. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خامنهای (امام)، سید علی (۱۳۷۶). **حدیث ولایت**. ج ۹، تهیه و تنظیم و تدوین دفتر مقام معظم رهبری، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- خامنهای (امام)، سید علی (۱۳۹۳، ۱۳۹۵، ۱۳۶۹، ۱۳۷۲، ۱۳۷۷، ۱۳۷۶، ۱۳۸۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۱). **بیانات در دیدارهای مختلف**، درج شده در تارنمای: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).
- خرمشاد، محمدباقر (زمستان ۱۳۸۰). «آسیب‌شناسی انقلاب: نگاهی درون‌نگرایانه به چالش‌های یک انقلاب»، **فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره صفر.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۹). **نگرشی موضوعی بر وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)**. ج ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۳). **صحیفه نور**. ج ۲، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴). **بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی**. تهران: دانش‌پرور.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). **لغت‌نامه دهخدا**. ج ۳۷، تهران: سازمان لغت‌نامه.
- عنایت، حمید (بهمن و اسفند ۱۳۷۷). «انقلاب اسلامی: مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه امیر سعید الهی، **فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۳۸-۱۳۷.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- الگار، حامد (۱۳۶۰). **انقلاب اسلامی در ایران**. ترجمه مرتضی اسعدی و حسین چیذری، تهران: قلم.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۸). **جرعه جاری: بررسی تبدیل انقلاب به نظام**. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- مرتضوی، پژمان (۱۳۸۸). «پاتولوژی چیست؟»، در تارنمای: [www.pmortazavi.blogfa.com](http://www.pmortazavi.blogfa.com).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). **انقلاب اسلامی، جهشی در تحولات سیاسی تاریخ**. تدوین و نگارش قاسم شبان‌نیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۲). **مقدمه‌ای بر تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی**. تهران: پرسمان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). **بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر**. قم: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). **پیرامون انقلاب اسلامی**. ج ۱۱، قم: صدرا.  
ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۶). **بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی**.  
تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر.  
نوید، مهدی (۱۳۷۴). **فرهنگ و مقاومت فرهنگی**. تهران: فلق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی